



دعای طلب آمرزش از گناهان

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعُفُوعِ عَنْ عُيُوبِهِ

از دعاهای امام علیه السلام است هنگامی که (به درگاه خدای تعالی) از گناهان گذشته می طلبید یا در طلب عفو از عیوب و کاستی های خود زاری می

نمود

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُدْنِيُّونَ وَيَأْمَنُ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

بار خدایا، ای که گناهکاران به امید رحمت تو به فریاد رسیت می خوانند ای خداوندی که بیچارگان در پناه احسان تو می آرامند.

وَيَا مَنْ لِحَيْفَتِهِ يَتَّحِبُّ الْحَاظِطُونَ يَا أُنْسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَيْبٍ

ای خداوندی که خطاکاران از خوف تو می نالند و می گریند. ای انیس آزردهندگان دور از خان و مان. ای غمزدای اندوهگنان و شکسته دلان.

وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ وَيَا عَضْدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا

ای فریادرس خوارشدگان و بی کسان. ای یاور نیازمندان و رانده شدگان. تویی که رحمت تو و علم تو همه چیز را در بر گرفته است.

وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا وَأَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

تویی که از نعمتهای خویش هر آفریده را بهره ای داده ای. تویی که عفو را از عقابت بیشی است.



وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ

تویی که رحمتت را بر غضبت پیشی است. تویی که عطای تو بیشتر از منع توست.

وَأَنْتَ الَّذِي أَسْعَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ

تویی که همه آفریدگان در حیطه قدرت تو جای دارند. تویی که چون کسی را نعمتی ارزانی داری، پاداشی از او نجویی.

وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ

تویی که چون عصیانگری را عقوبت کنی، راه افراط نپویی.

وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالِدُّعَاءِ فَقَالَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ هَا أَنَا إِذَا يَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ

و من ای پروردگار من، بنده تو هستم، بندهای که به دعایش فرمان داده‌ای و او دست انابت به درگاه تو برداشته است، گوید: لبیک و سعدیک. این منم ای پروردگار من، بر پیشگاهت افتاده.

أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ وَأَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمْرَهُ وَأَنَا الَّذِي بِجَهْلِهِ عَصَاكَ وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لَذَاكَ

این منم که بار گناهانم بر پشتم سنگینی می‌کند و گناهان عمرم را تباه ساخته است. این منم که از روی جهالت تو را عصیان کرده‌ام در حالی که تو سزاوار عصیان من نبود.



هَلْ أَنْتَ يَا إِلَهِي رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُبْلِغَ فِي الدُّعَاءِ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَأُسْرِعَ فِي الْبُكَاءِ

آیا تو ای خداوند، بر کسی که به درگاهت دست به دعا بردارد رحمت می‌آوری، تا من در دعا مبالغت ورزم؟ آیا تو ای خداوند، کسی را که به درگاهت اشک ریزد می‌آمیزی، تا من به اشکباری شتابم؟

أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَقَّرَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً أَمْ أَنْتَ مُعْنٍ مَنِ شَكَا إِلَيْكَ فَقَرَهُ تَوَكُّلاً

آیا تو ای خداوند، کسی را که به خواری روی بر خاک درت نهد می‌بخشایی؟ آیا تو ای خداوند، کسی را که شکایت بینوایی خویش به درگاه تو آرد در حالی که به تو توکل کرده است بی‌نیاز می‌سازی؟

إِلَهِي لَا تُحَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِياً غَيْرَكَ وَلَا تَحْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ

ای خداوند، آن را که جز تو بخشنده‌ای نمی‌یابد نومید مکن، و آن را که جز تو از دیگری بی‌نیازی نجوید فرومگذار.

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ

ای خداوند، بر محمد و خاندان او درود بفرست و از من اعراض مکن که روی به تو آورده‌ام،

وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ وَلَا تَجْبُهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

و مرا محروم مدار که دل به تو سپرده‌ام، و دست رد به رویم مزنی که بر درگاهت ایستاده‌ام.



أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ
بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي

تویی که خود را به رحمت وصف کرده‌ای. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و بر من رحمت آورد. تویی که خود را بخشنده نامیده‌ای، پس گناهان من بر من ببخشای.

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَأَنْتِ قَاضٍ (اِنْتِقَاضَ)
جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ

بار خدایا، می بینی که چسان از خوف تو سرشکم روان است. چسان از خشیت تو دلم لرزان است. چسان از هیبت تو اعضایم درهم شکسته است.

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي وَلِذَلِكَ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاتِكَ
چگونه چنین نباشم که از کردارهای ناپسند خود شرمندهام و آوازم به تضرع بر نمی آید و زبانه نمی جنبد که آهسته آهسته راز و نیاز کنم.

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكُمُ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي وَكُرْمٍ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي

ای خداوند من، حمد باد تو را، بسا پرده بر عیبهای من کشیده‌ای و رسوایم نساخته‌ای، بسا گناهان من نهان داشته‌ای و مرا شهره شهر نکرده‌ای،



وَكَمْ مِنْ شَائِبَةِ الْمَمْتِ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِرَّهَا وَلَمْ تُقْلِدْنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا وَلَمْ تُبَدِّسْ أَسْوَأَ أَتْهَائِنِ
يَلْتَمِسُ مَعَايِبِي مِنْ جِرَّتِي وَحَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي

بسا آلودگی‌ها که مرا هست و تو اش فاش نساخته‌ای و نشان بدنامی به گردنم نیاویخته‌ای و از همسایگان من، عیبجویان مرا و کسانی را که بر نعمتی که بر من عنایت کرده‌ای حسد می‌برند، از عیب و عار من آگاه نکرده‌ای.

ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءٍ مَا عَاهَدْتَنِي

این همه مرا از آن باز نداشت که از ادامت اعمال ناپسند خود - که تو بر آنها آگاهی - ندامت جویم.

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرُشْدِهِ وَمَنْ أَعْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ

پس ای خداوند من، چه کسی است نادان‌تر از من به رستگاری خویش؟ چه کسی است غافل‌تر از من به نصیب خود؟

وَمَنْ أْبَعْدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَنْفَقَ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ
مَعْصِيَتِكَ

چه کسی است دورتر از من به اصلاح نفس اماره‌اش به هنگامی که آن نعمت بی‌کران تو را در راه معصیتی که مرا از آن بازداشته‌ای تباه می‌کنم؟



وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقْفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ

چه کسی بیش از من در گرداب باطل غوطه‌ور و به بدی گراینده‌تر است چون میان دعوت تو و دعوت شیطان
مخیر آیم

فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمِّي مِنِّي فِي مَعْرِفَةِ بِهِ وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ

و در عین بینایی و هشیاری، نه از روی بی‌خبری و فراموشی در پی دعوت او می‌روم؟

وَأَنَا حِينِدُ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَمُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

در حالی که یقین دارم که دعوت تو به بهشت نعیم می‌انجامد و دعوت شیطان به آتش جحیم.

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَأَعَدُّدُهُ مِنْ مَكْتُومٍ أَمْرِي

منزهی تو! چه شگفت است که من به زیان خود گواهی می‌دهم و اعمال نهان خویش بر می‌شمارم.

وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا تُكَ عَنِّي وَإِبْطَاؤُكَ عَنِّ مُعَاجَلَتِي وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ

و شگفت‌آورتر از این بردباری توست در برابر من و درنگ توست در مؤاخذت سریع من. و این نه بدان سبب
است که مرا در نزد تو آبرویی است،



بَلْ تَأْنِيَا مِنْكَ لِي وَتَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنْ أُرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُنْخِطَةَ وَأُقْلِعَ عَنْ سَيِّئَاتِي الْخُلْفَةَ وَ
لِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي

بلکه به سبب مدارای توست با من و احسان تو در حق من. باشد که از معصیتی که تو را به خشم آورد باز ایستم و از گناهی که مرا فرسوده است دست بدارم، که عفو و بخشایش مرا از عقوبت و عذاب من دوست تر داری.

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي أَكْثَرُ ذُنُوبًا وَأَقْبَحُ آثَارًا وَأَشْنَعُ أَعْمَالًا وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا

من - ای خداوند من - گناهم بیشتر است و اعمالم زشت تر و کردارهایم ناپسندتر. در ارتکاب باطل بی باک ترم

وَأَضَعُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقُظًا وَأَقْلُ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أَحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي أَوْ أَقْدِرَ
عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي

و به هنگام طاعت تو در خواب غفلتم و در برابر هشدارهای تو آگاهی و مراقبتم کمتر است. با این حال چگونه می توانم عیبهای خود را بر شمارم و از گناهان خویش یاد کنم.

وَإِنَّمَا أُوجِبُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الدُّنْيَا وَرَجَاءٌ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا
فَكَالْ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

ای خداوند، اگر زبان به نکوهش خویش گشوده‌ام، بدان سبب است که طمع در رأفت تو دارم که اصلاح حال گنهکاران بدان باز بسته است، و امید به رحمت تو دارم که آزاد ساختن خطا کاران را وسیلت است.



اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَبِّي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ای خداوند، این گردن من است در زیر بار گناهان باریک شده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست

وَأَعْتَقْهَا بِعَفْوِكَ وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَفِّفْ عَنْهُ مِنْكَ

و به عفو خود آزادش کن. و این پشت من است در زیر بار خطاها خمیده، پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و به فضل خود بار خطای من بکاه.

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي وَانْتَجَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي وَقُمْتُ لَكَ حَتَّى تَنْشُرَ قَدَمَيَّ

ای خداوند، اگر چندان بگرییم که مژگانم فرو ریزد و مویه کنم تا آوازم منقطع شود و بر آستان جلال تو بایستم تا پاهایم آماس کند

وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلَعَ صُلْبِي وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ وَأَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوَّلَ عُمْرِي

و رکوع کنم تا استخوان‌های پشتم از جای بر آید و سر به سجده نهم تا چشمانم از چشمخانه به در شود و همه عمر جز خاک زمین هیچ نخورم

وَشَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي وَذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي

و تا پایان حیات جز آب خاکستر هیچ ننوشم و در خلال این احوال چندان ذکر تو گویم تا زبانم از گفتن بازماند



ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

و از شرم تو دیده به سوی آسمان بر نکنم، شایسته آن نیستم که حتی یک گناه از گناهانم را از نامه عملم محو کنی.

وَإِنْ كُنْتُ تَعْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَعْفِرَتَكَ وَتَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ

لِي بِاسْتِحْقَاقٍ

اگر مرا به هنگامی که مستوجب آمرزش تو شوم بیامرزی و هنگامی که مستحق عفو تو گردم عفو کنی،

وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِحْيَابِ إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ

لِي

باز هم نه به سبب شایستگی من است، زیرا کیفر من در همان آغاز که سر به عصیان تو برداشتم آتش جهنم بوده است و اگر مرا عذاب کنی در حق من ستم نکرده‌ای.

إِلَهِي فَإِذْ قَدْ تَعَمَّدْتَنِي بِسِرِّكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي وَتَأْتَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي

ای خداوند، اکنون که بر گناه من پرده کشیده‌ای و رسوایم نساخته‌ای، اکنون که به کرم خود با من مدارا ورزیده‌ای و به مؤاخذت من نشتابیده‌ای،



وَحَلَمْتُ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَلَمْ تُكْذِرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي فَارْحَمْ طَوْلَ تَضَرُّعِي
وَشِدَّةَ مَسْكِنَتِي وَسُوءَ مَوْقِفِي

اکنون که از فضل و احسان خویش مرا به بردباری نواخته‌ای و نعمت خود بر من دیگرگون نساخته‌ای و زلال احسان خود تیره نکرده‌ای، پس بر این زاریهای دراز من رحمت آور و بر شدت مسکنتم ببخشای و بر نابسامانیم ترحم فرمای.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي وَاسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ وَطَهِّرْنِي
بِالتَّوْبَةِ

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از معاصی نگاهدار و به فرمانبرداری خود برگمار و نعمت انابت نصیب من کن و به آب توبه پاکیزه گردان

وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ وَعَتِيقَ
رَحْمَتِكَ

و یاریم ده که گرد گناه نگردم و به تندرستی، نیکحالی‌ام بخش و حلاوت مغفرت به من بچشان و مرا آزاد کرده عفو و رحمت خود گردان



وَ اَكْتُبْ لِي اَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْاَجْلِ بَشْرِي اَعْرِفُهَا وَ اَعْرِفْنِي فِيهِ
عَلَامَةً اَتَكْتَنُّهَا

و از خشم خود نامه امانم ده و بشارت این نعمتها در این جهان، پیش از فرا رسیدن آن جهان به من ده، بشارتی که آن را بشناسم و نشان آن را به من بشناسان.

اِنَّ ذٰلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ وَلَا يَتِيكَ اَدُّكَ فِي قُدْرَتِكَ وَلَا يَتَّصِدُّكَ فِي اَنَاتِكَ

ای خداوند، اینها در برابر گشادگی عرصه توان تو بر تو دشوار نباشد و تو را در حیطة قدرتت به رنج نیفکند و با آن همه بردباری که تو راست دشوارت نیاید

وَلَا يُودُّكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ اِنَّكَ عَلٰى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و در بخششهای کرامندت که آیات کتاب تو بر آن دلیل است، گران ننماید، که تو کنی هر چه خواهی و فرمان رانی به هر گونه که اراده نمایی. چون بهر چیز توانایی.